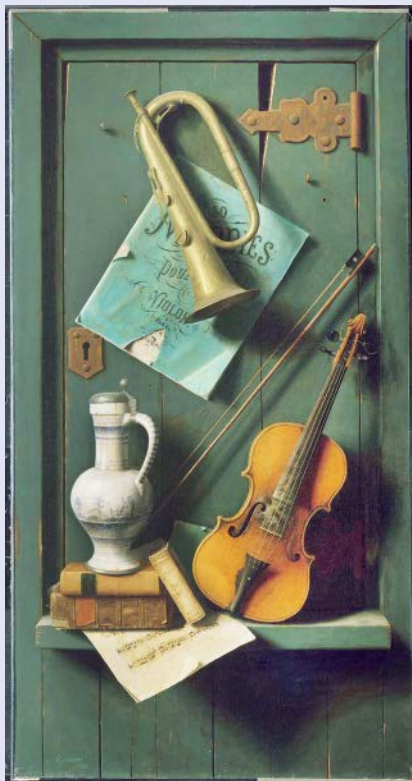




که داستان‌هایی است از نویسندگان آلمانی زبان چاپ و از طرف نشر ماهی منتشر شد، ضمن این‌که پیش از آن داستان مرده‌ها سکوت می‌کنند با ترجمه حداد به صورت تک کتاب از طرف نشر تجربه منتشر شده بود.

یک داستان بارگه‌های پست مدرن

هر چند شنیتسلر از پایه‌گذاران داستان مدرن در اتریش می‌دانند اما «چه ملودی زیبایی» رگه‌هایی از داستان‌های پست مدرن را هم در خود دارد. داستان در ظاهر ساده و خطی است. پسری که در حال آموزش موسیقی است، بصورت تصادفی نت‌هایی را روی کاغذ می‌نویسد و رو به جنگل پرتاب می‌کند بیرون. کاغذ می‌رود و می‌افتد دست یک موزیسین جوان جویای نام. پسرک نمی‌داند چه نوشته اما همان صفحه سرنوشت آهنگساز جوان را عوض می‌کند و اجرای نت‌های نوشته شده روی کاغذ همه را به حیرت وامی‌دارد. موزیسین جوان حالا در چشم همه نابغه است، اما نابغه‌ای که نمی‌تواند هیچ شاهکار دیگری ارائه کند و درگیر اجرای مداوم همان یک صفحه است، اتفاقی که رفته رفته او را نابود می‌کند و مدام ناتوانی‌اش در خلق یک اثر شنیدنی و جاندار را به رخ می‌کشد. فکر می‌کنید سرنوشت او چه می‌شود؟ گلوله‌ای در قلب خودش خالی می‌کند و پایان....

تصادف‌هایی که داستان را پیش می‌برد بسیار شبیه داستان‌های کلاسیک کهن است و شیوه روایت داستان کاملاً مدرن است. شنیتسلر بعنوان یک نویسنده پیشرو ظاهر در این باب هم پیشرو بوده و پست مدرنیسم را که پس از پایان جنگ جهانی دوم کم‌کم به ادبیات راه یافته را در داستان‌هایش به نوعی به کار برده است.

شنیتسلر می‌تواند یک نمونه درست و حسابی باشد برای کسانی که از قضا ایران بهشتشان هم هست! راستش در داستان‌های او همه چیز آماده است برای این‌که دستی به سر و رویش کشیده شود و در قالب یک داستان تازه ارائه شود! این را از من نشنیده بگیرید و...

بگذریم دیگر! [

آرتور شنیتسلر، نویسنده‌ای است که کپی کارها می‌توانند از او بهره بسیار ببرند!

پست مدرن‌های نویسنده مدرن



زینب مرتضایی فرد

نویسنده

آدم‌ها در عمرشان چندین و چند بار شغل عوض می‌کنند، اما کمتر کسی پیدا می‌شود که بعد از پشت سر گذاشتن تحصیلات دشوار رشته پزشکی دلش بپاید طبابت را رها کند، آن هم به خاطر چه کاری؟ نویسنده‌ای! این کار را یکی از نویسندگان باهوش و خاص قرن نوزدهم و بیستم انجام داده است. جناب آقای آرتور شنیتسلر، نمایشنامه‌نویس و داستان‌نویس اتریشی، درس پزشکی خوانده اما زود از کارش دلزده شده و رفته سراغ رویا‌هایش و البته در مسیر رویا‌هایش چقدر هم موفقیت‌آمیز عمل کرده است.

شنیتسلر نه تنها نویسنده‌ای برجسته به‌شمار می‌رفت، بلکه روان‌شناس متبحری نیز بود که در بیشتر آثار خویش به تجزیه و تحلیل روانی مهمی دست زده و سعی کرده است آنچنان که باید روحیات حقیقی بشر را درک کند.

اولین اثر خویش را در ۲۴ سالگی نوشت و پس از آن با انتشار هر اثر خود توانست بیش از قبل خود را به عنوان یک نویسنده چیره‌دست به قول معروف جا بیندازد. او از معدود نویسندگانی است که توانسته آن‌طور که باید فروید را شناخته و او را به دیگران بشناساند.

از آغاز قرن بیستم، نمایشنامه‌های شنیتسلر بیش از آثار هر نمایشنامه‌نویس دیگری در تئاترهای آلمانی زبان اجرا می‌شد. او را یکی از سرسخت‌ترین منتقدان جامعه امپراتوری اتریش-مجارستان در قرن بیستم می‌شناسند، پس از انتشار «ستوان گوستل»، داستانی که در آن هنجارهای افسران اتریش به باد انتقاد گرفته می‌شود، ارتش درجه افسری را که



قهرمان‌های آقای شنیتسلر

شنیتسلر در آثار خود اغلب به سرنوشت قهرمانانش از دیدگاه روان‌شناختی می‌پردازد، رویدادهای آثار او بیشتر در شهر وین رخ می‌دهند. قهرمانان او شخصیت‌های تیپیکالی هستند از جامعه آن روز وین، از افسران، پزشکان، هنرمندان، خبرنگاران و بازیگران گرفته تا افراد خانواده سلطنتی، وابستگان به دربار و البته دخترکان زیباروی حاشیه شهر. در آثار او به کارگران و تهیدستان کمتر برمی‌خوریم از همین رو برخی از منتقدان ادبی او را به یکسویه‌نگری متهم می‌کنند. شنیتسلر در آثار خود به توصیف اختلالات روانی نمی‌پردازد، مساله مورد علاقه او آن روندی است که در درون شخصیت‌هایش جریان می‌یابد: کشمکش که قهرمانانش در راه دستیابی به امیالشان با آن روبه‌رو هستند. تصادفی نیست که شنیتسلر در داستان کوتاه «ستوان گوستل» تک‌گویی (مونولوگ) درونی را برای نخستین بار در ادبیات آلمانی زبان به کار می‌گیرد و موفق می‌شود فضایی بی‌افرنید که خواننده‌اش بتواند کشمکش‌های درونی قهرمان اثر را عمیق‌تر دریابد. شنیتسلر می‌کوشد راست و دروغ‌هایی را آشکار کند که شخصیت‌هایش با آن درگیرند. تلاش قهرمانان او برای رهایی از چارچوب تنگ بایدها و نبایدهای اجتماعی اغلب به فاجعه می‌انجامد.

مترجم ایرانی و علاقه‌مندی

به آثار شنیتسلر

قصه داریم از داستان «چه ملودی زیبایی» حرف بزنیم، این داستان در مجموعه «دیگری» با ترجمه خوب علی اصغر حداد و از سوی نشر ماهی روانه بازار کتاب شده است. البته حداد پیش از این دو داستان «بازی در سپیده‌دم» و «رویا» را از شنیتسلر ترجمه و در قالب یک کتاب منتشر کرده بود که این کتاب چند سال پیش از طرف انتشارات نیلوفر منتشر شد. از این دو داستان، یکی-داستان رویا-همان داستانی است که استنلی کوبریک فیلم «چشمان کاملاً بسته» را براساس آن ساخت. حداد پیش از اینها دو داستان «ستوان گوستل» و «مرده‌ها سکوت می‌کنند» را نیز از شنیتسلر ترجمه کرده بود؛ این دو داستان در کتاب «مجموعه نامرئی»



نویسنده:

آرتور شنیتسلر

مترجم:

علی اصغر حداد

انتشارات:

ماهی

۲۸۰ صفحه

۳۱۰۰۰ تومان